

مفاخر فرهنگی کشور و یا حتی جهان است که بی‌نیاز از تعلیم و تعلم باشد و اصولاً جوهره فرهنگی و فکری افراد فرهیخته و دانشمند هر جامعه‌ای با استاد و بحث و کلاس و درس شکل می‌گیرد و آن نگارانی که به مکتب نمی‌روند از استثنائات روزگار خویشند.

کتاب سیمای استان سمنان، مشاهیر و مفاخر فرهنگی قومس که به نظر نگارنده بهتر بود عنوان «مشاهیر و مفاخر قومس در سیمای استان سمنان» بود از جمله آثاری است که می‌توان آن را با بسیاری از کتب تراجم احوال مشهور قیاس نمود و چه‌بسا در مواردی ارجح بر آن آثار است.

کتاب مشاهیر قومس به صورت الفبایی تنظیم گردیده و مشتمل بر معرفی مشاهیر و مفاخر فرهنگی منطقه قومس از طلوع اسلام، یعنی از قرن اول هجری قمری تا قرن چهاردهم است. ضمن اینکه در این کتاب جغرافیای سیاسی قدیم قومس در دوره‌های مختلف تاریخی مدنظر قرار گرفته است.

تدوین علم‌الاسناب، علم الرجال، و طبقات که برای دستیابی و نیل به شناخت مشاهیر و مفاخر هر قوم و ملتی بوده است درحقیقت یکی از بهترین راه‌های حفظ آثار و یاد و تأثیرات فکری و فرهنگی و معنوی دانشمندان جوامع مختلف است.

کتاب مشاهیر و مفاخر فرهنگی قومس که برخی از ویژگی‌های کتب مشهور علم‌الرجال و طبقات را داراست به نوبه خویش می‌تواند برای محققان و پژوهشگران جالب توجه باشد، به‌ویژه اینکه در بسیاری از بخش‌های این کتاب با نوشته‌های ارزشمند دانشمندان و اساتید برجسته عرفان و ادبیات ایران‌زمین مواجه خواهیم شد که این خود بر غنای اثر و ارج و اعتبار آن افزوده است، مانند تحلیل عالمانه استاد نجیب مایل هروی در رابطه با شیخ علاءالدوله سمنانی که بسیار خواندنی است. و یا نوشته ارزشمند استاد مهرداد اوستا، شاعر فقید معاصر که در شأن و شخصیت صالحی سمنانی، شاعر عارف مسلک سمنانی به نگارش درآمده و ارائه گردیده است. (ص ۴۶۹)

امکان آشنایی با دیدگاه‌های اساتید فرهیخته ادبیات و نام‌آوران شعر فارسی مانند نیما یوشیج، جلال‌الدین همایی، ملک‌الشعراى بهار در رابطه با علامه حائری مازندرانی (سمنانی) در این کتاب فراهم می‌گردد. ارائه

مقالاتی از مرحوم اقبال یغمایی از نوادگان یغمای جندقی (ص ۷۸۹) و استاد ایرج افشار راجع به حبیب یغمایی (ص ۸۳۱) خواننده کتاب را از مراجعه به دیگر آثار بی‌نیاز می‌سازد.

همه اینها که به همت نویسنده ارجمند کتاب فراهم گردیده محققان و پژوهشگران بومی منطقه را برای مطالعه هرچه بیشتر آن بر سر شوق خواهد آورد و این قضیه حداقل برای نگارنده این سطور تجربه‌ای ارزشمند بوده و آن را درک کرده است.

در بخش پایانی مقاله نگارنده این سطور بر خویش فرض می‌داند به عنوان کسی که دستی بر آتش دارد از تلاش‌ها و کوشش‌های علمی چندین ساله مؤلف ارجمند این اثر نفیس، کمال سپاس و قدردانی را ابراز نماید و امید است این پژوهش گرانسنگ حسن آغازی باشد برای پژوهش‌های بعدی در جهت معرفی مشاهیر و مفاخری که احیاناً در این اثر مطرح نشده‌اند، چنانکه بسیاری از شخصیت‌ها و مفاخری که در قید حیات هستند اساساً در این کتاب مطرح نشده‌اند و به نظر، نویسنده گرامی برای خویش معاذیری داشته است، که برای نگارنده این سطور کاملاً قابل درک است.

#### منابع:

۱. لازم به یادآوری است کتاب تذکره شعراى سمنان تألیف استاد نصرت نوح سمنانی با لباسی نو و با اضافات و ملحقاتی جدید به اهتمام استاد محمد احمدپناهی (پناهی سمنانی) در مهر ۱۳۷۹ چاپ و منتشر شده است که جای تقدیر و سپاس دارد.

۲. ر. ک. سیمای استان سمنان، جلد اول. جغرافیا، تاریخ و جغرافیای تاریخی. تألیف علی بنی‌اسدی، ۱۳۷۴.

#### پی‌نوشت‌ها:

۱. سیمای استان سمنان، جلد سوم، مشاهیر و مفاخر فرهنگی قومس، محمدرضا دربیگی، سال ۱۳۷۹، ناشر دفتر امور اجتماعی و انتخابات استانداری سمنان.

۲. تذکره شعراى سمنان، تألیف نصرت‌الله نوح، به اهتمام پناهی سمنانی، مهر ۱۳۷۹، انتشارات زال.

۳. رسائل حکیم سبزواری، با تعلیق و تصحیح و مقدمه استاد سیدجلال‌الدین آشتیانی، انتشارات اسوه، ۱۳۷۰.

۴. جشن نامه هائری کرین، زیر نظر پروفیسور سیدحسین نصر، تهران، ۱۳۵۶، ناشر مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک‌گیل با همکاری دانشگاه تهران و انجمن حکمت و فلسفه ایران.

# شاهنامه فردوسی

این کتاب دفتر یکم از شرح یکایک ابیات و اصطلاحات و گزارش و ریشه‌شناسی واژگان شاهنامه فردوسی است که برای نخستین بار ارائه می‌شود. کتاب پس از پیش‌گفتار مؤلف با دو جدول، نشانه اختصاری نسخه‌بدل‌ها و نشانه‌های آوانویسی آغاز می‌گردد. پس از آن داستانهای منظوم شاهنامه که متن اصلی کتاب را تشکیل می‌دهند، فراهم آمده است. فراهم آوردن شش فهرست از واژگان از جمله ویژگی‌های این کتاب محسوب می‌شود. فهرست واژگان گزارش شده، فهرست واژه‌های ریشه‌شناسی شده، فهرست واژه‌های عربی، فهرست واژه‌های غیرایرانی و غیرعربی، فهرست نام کسان و فهرست نام مکان. در پایان نیز کتابنامه فارسی و انگلیسی و متن انگلیسی شاهنامه ضمیمه گشته است.

در کتاب حاضر، شرح و معنای واژه‌ها، عبارات و اصطلاحات تعبیر کنایی و استعاری پس از نسخه‌بدل‌ها ارائه شده است. برای نیل به این مقصود به شیوه‌ای تطبیقی از بررسی بسیاری از لغت‌نامه‌ها، فرهنگ‌ها یا روش اجتهادی از مقایسه آنها و تمرکز بر متن و متون هم‌زمان به دست آمده است. ویژگی‌های شیوه ریشه‌شناسی در واژه‌ها به ۳ صورت انجام پذیرفته است: الف - در آوردن پیشینه گونه هر واژه، ترتیب تاریخی و سیر دگرگونی اولیه آن، از باستانی‌ترین زمان کاربرد واژه در متن‌های بازمانده تا زمان کاربرد آن در شاهنامه (قرن ۴ هجری) رعایت شده است. ایرانی باستان، اوستا، پارسی باستان، پهلوی اشکانی، پهلوی مانوی و پهلوی ساسانی. ب - در کار ریشه‌شناسی واژه‌ها عموماً به منابعی بسنده شده که با اندک کوششی برای خوانندگان این اثر قابل دسترسی است. ج - در آوانگاری گونه‌های اوستایی و پهلوی، دو شیوه نگارش سنتی و تازه در منابع زبان‌شناختی ایرانی به کار رفته است. شیوه سنتی آوانگاری اوستایی در واژه‌نامه یارنلمه و شیوه تازه آن در آثار مانفرد مایرهورف مورد استفاده بوده که در ریشه‌شناسی کتاب ادامه در صفحه ۷۷

«توالی یکسان» و «نقش‌های صوتی یکسان» سایر شرایط مطرح شده در تعریف ردیف الزامی نیست، یعنی یگانگی ردیف از لحاظ عناصر دستوری (واژه، گروه، بند یا جمله) و نیز نقش صرفی، نحوی و معنایی یکسان، شرط صحیح بودن ردیف نیست و نمونه‌های فراوانی در شعر فارسی هست که در چهارچوب شرایط مطرح شده در تعریف مذکور نیست و اساساً باید توجه کنیم که شاعران در مواردی که ظرفیت‌های زبانی میسر ساخته است به تغییر در همسانی معنایی و نقش صرفی و نحوی ردیف گرایش داشته‌اند و دارند. بررسی ردیف اگر در جفت‌های مربوط به مثنوی باشد ممکن است در واژه‌هایی با صورت آوایی یکسان و معنی متفاوت (جناس تام و مرکب) قرار گرفتن آنها در حکم ردیف یا قافیه محل اختلاف باشد، مثلاً در این بیت از مولانا:

آتش است این بانگ نای و نیست باد

هر که این آتش ندارد نیست باد  
ممکن است کلمه «باد» به دلیل اختلاف در معنی قافیه انگاشته شود و کلمه «نیست» نیز به همین دلیل در حکم قافیه دوم محسوب گردد، اما در قالب‌های دیگر (غزل، قصیده، ترجیع و ترکیب بند و مسمط) که تکرار ردیف آشکار و قطعی است بهره‌گیری از ظرفیت‌های زبانی در ردیف شعر، به شدت رایج است و یکی از شگردهای زیبایی‌شناختی و قاعده افزایی در شعر محسوب می‌شود. در کنار این باید انبوه شعرهای دو زبانه (ملمعات) را نیز لحاظ کرد که در آنها اغلب ردیف تنها هماهنگی آوایی پایان مصارع را تأمین می‌کند. اکنون نمونه‌هایی از کارکرد ردیف خارج از شرایط مطرح شده در تعریف دکتر حق شناس؛

الف) اختلاف در نقش معنایی ردیف:  
سینه از آتش دل در غم جانانه بسوخت  
آتشی بود در این خانه که کاشانه بسوخت  
ماجرای کم کن و باز آ که مرا مردم چشم  
خرقه از سر به در آورد و به شکرانه بسوخت  
(حافظ)

به هر چه دیده گشودیم موج خون گل کرد  
نگاه ما به رگ نیش دیده می‌ماند  
مرا به بزم ادب کلفتی که هست این است  
که شوق بسمل و دل ناتپیده می‌ماند  
(بیدل)

ب) آمیختگی نقش صرفی و نحوی ردیف:  
صوفی بیا که آینه صافی است جام را  
تا بنگری صفای می لعل فام را  
(حافظ)

ای چون لب لعل تو شکر نی  
بادام چو چشمت ای پسر نی

پیران جهان نشان ندادند  
چون تو دگری به هیچ قرنی  
بازآیم اگر دهی اجازت  
ای راحت جان من و گر نی  
بنشینم و صبر پیش گیرم

دنباله کار خویش گیرم  
(سعدی)  
که در این مثال ردیف (نی) عنصر دستوری یگانه هم نیست.

ج) اختلاف در نقش نحوی ردیف:  
ای دل شکایت‌ها مکن تا نشنود دلدار من  
ای دل نمی‌ترسی مگر از یار بی‌زهار من  
چون لطف دیدم رای او، افتادم اندر پای او  
گفتم: «نباشم در جهان، گر تو نباشی یار من»  
گفتم: «منم در دام تو، چون گم شوم بی‌جام تو؟»  
بفروش یک جامم به جان وانگه ببین بازار من»  
(مولانا)

در مثال اخیر ردیف (من) به ترتیب دارای نقش‌های دستوری زیر است:  
عضو گروه نهادی، عضو گروه متممی، عضو گروه مسندی، عضو گروه مفعولی  
مثال دیگر:

بر من در وصل بسته می‌دارد دوست  
دل را به عنا شکسته می‌دارد دوست  
زین پس من و دل شکستگی بر در او  
چون دوست دل شکسته می‌دارد دوست  
(مولانا)

در این رباعی بخش مهمی از زیبایی و حیثیت ادبی کلام مدیون دگرگونی در نقش معنایی و نحوی ردیف است.

۱۵- اما گذشته از نکات یاد شده، اصل روش پیشنهادی دکتر حق شناس درباره قافیه از نظر توجهی که به انطباق یا موازین علمی در آن شده و نیز نوآوری و کشف و دقت نظر، قابل تأمل و درخور ستایش است. طرح پرسش‌ها و اشکالاتی نظیر آنچه در این مقاله آمد به هیچ وجه به قصد مخدوش کردن اعتبار علمی این نظریه نیست، بلکه نوعی پرسشگری دانشجویانه و از موضع طرح سؤال برای دامنه‌دار کردن بحث و آموختن بیشتر است و گرنه جایگاه رفیع آقای دکتر حق شناس در دانش زبان‌شناسی و نسبتی که با عالم ادبیات دارند به گونه‌ای است که طرح سؤالاتی نظیر پرسش‌های این مقاله تنها بسته به جسارت و خامی نهفته در نهاد شاگردانی چون صاحب این قلم است. البته اشتیاقی به آموختن و بیشتر دانستن نیز مزید بر علت است. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

# شاهنامه فردوسی

ادامه صفحه ۶۷

حاضر شیوه سنتی دنبال شده است. شیوه سنتی آوانگاری پهلوی در کتاب ینبرگ و شیوه تازه آن در فرهنگ پهلوی مکتزی مورد استفاده بوده که در ریشه‌شناسی این کتاب شیوه تازه مورد استفاده بوده است. افزودن توضیحات بایسته‌ای درباره شخصیت‌ها، رویدادهای اساطیری - حماسی شاهنامه از منظر روایات گونه‌گون متون پیش از اسلامی ایران و آثار فارسی پس از اسلام از جمله نکاتی است که در کتاب حاضر مورد توجه بوده است. ارائه معنای هر بیت به نثر، بخش دیگری از کاربر متن این شاهنامه است. درواقع برآیند توضیحات واژگانی و اساطیری، حماسی، افسانه‌ای، فولکلوریک و تاریخی در این بخش نمودار است. برگردان عربی شاهنامه که توسط قوام‌الدین ابوالفتح بنداری در قرن هفتم صورت گرفته و مقایسه آن با متن شاهنامه پایان بند توضیحات هر بیت است. نیز برگردان انگلیسی شاهنامه که توسط جیمز اتکینسون (James A. Atkinson) در اوایل قرن نوزدهم صورت گرفته در پایان کتاب آمده است.

## توضیح

در شماره ۴۴ کتاب ماه ادبیات و فلسفه در بخش اطلاع‌رسانی صفحه ۱۱۸ (فهرست کتابهای اردیبهشت ۱۳۸۰) کتاب «شاهنامه‌ی فردوسی» به اهتمام مهری بهفر به اشتباه به اهتمام نظام‌الدین نوری درج شده بود که بدین‌وسیله تصحیح می‌گردد: شاهنامه‌ی فردوسی (برپایه چاپ مسکو - ۱۹۶۳) مقابله با نسخه‌های فلورانس و چاپ خالقی مطلق... به اهتمام: مهری بهفر؛ ویراستار: هوشنگ رهنما، بهمن حمیدی، تهران: هیرمند - ۱۰۲۶، ص: جلد اول، وزیری (گالینگور)، چاپ اول / ۳۳۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۹۷۴-۲۴-۴